اصلاً من قهرم!

۱۵ مهرماه ۱۳۰۱ یعنی ۱۰۰ سال پیش، رضاخان میرپنج که پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، در همه کابینه‌ها وزیر جنگ بود و به‌واسطه نیروی قزاق هر کاری دلش می‌خواست انجام می‌داد، به دلیل اعتراض مجلس به اقدامات غیرقانونی‌اش، قهر و مدت سه روز تهران را ترک کرد. البته این اقدام بیشتر یک ژست سیاسی و در راستای تهدید مخالفان با نیروی نظامی بود؛ اما خب، ماجرای اعتراض مجلس به او را هم نمی‌شود نادیده گرفت. رضاخان از همان ابتدای تصدی وزارت جنگ، عادت کرده‌بود هر جا برود، در هر کاری دخالت کند و کسی هم حق نداشت حرفی بزند. کار به جایی رسیده‌بود که رضاخان شخصاً منتقدان خودش را احضار می‌کرد و از خجالت آن‌ها درمی‌آمد؛ مثلاً پس از یادداشت بسیار ملایم اما انتقادی روزنامه «حیات جاوید»، امر به احضار سردبیر و مدیرمسئول آن کرد و خودش با عصا به جان آن‌ها افتاد و دندان‌های آن دو نفر را در دهانشان خُرد کرد. مجلس شورای ملی که نمی‌توانست در برابر این اقدام ساکت بنشیند، به رفتارهای خارج از شمول سردار سپه اعتراض کرد. رضاخان هم که مدعی بود حضورش موجب نظم شده، اعلام کرد: حالا که این طور است من هم قهر می‌کنم و می‌روم! گفتنی است این قهر کلاً دو سه روز بیشتر طول نکشید!

نقبی به تاریخ

دانستنی های تاریخی

برادرانی که فخر معماری ایرانی اسلامی شدند

با مرگ تیمورلنگ، آتش وحشی‌گری‌هایی که برافروخته بود به‌تدریج فروکش کرد و با قدرت گرفتن فرزندش شاهرخ، امیدهایی برای احیای فرهنگ ایرانی اسلامی شکل گرفت. در دوره شاهرخ، به‌ویژه با همت همسرش گوهرشاد خاتون، به هنر بیش از گذشته بها داده‌شد و به‌ویژه هنر معماری رونق فراوانی پیدا کرد. در این زمان دو برادر شیرازی به نام‌های قوام‌الدین و غیاث‌الدین، فرزندان زین‌الدین به عنوان معماران چیره‌دست شناخته شدند و نظر گوهرشاد خاتون را به خود جلب کردند. او این دو برادر را به خدمت گرفت و به عنوان معمار شخصی خودش برگزید. قوام‌الدین و غیاث‌الدین در ساخت بناهای بزرگ و بسیار معروفی مانند مسجد گوهرشاد، به عنوان مهندس و معمار حضور داشتند؛ نام قوام‌الدین در کتیبه تاریخی این مسجد بزرگ وجود دارد. قوام‌الدین بعدها به دستور گوهرشاد خاتون، گنبد دومی را روی روضه منوره ساخت تا از جلوه‌گری آن پس از پایان بنای مسجد گوهرشاد کاسته نشود.

محمدابراهیم آیتی (درگذشته ۱۳۴۳ش)

نویسنده، پژوهشگر و مورخ نامدار معاصر بود که در ۱۶ مهر ۱۳۴۳ در تصادف رانندگی دار فانی را وداع گفت. وی مؤلف تعدادی از مهم‌ترین آثار تاریخی نوشته شده به زبان فارسی، از جمله «تاریخ پیامبر» و «تاریخ اندلس» است که نخستین کتاب، برنده اولین جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی نیز شد. مرحوم آیتی افزون بر مدارج عالی حوزوی، دکترای فلسفه اسلامی خود را از دانشگاه تهران دریافت کرده‌بود و در حوزه و دانشگاه تدریس می‌کرد.

تاریخ

قدس

چرا غربی‌ها دوست ندارند ما درباره عباس بن فرناس بدانیم؟

مسلمانی که ۱۲۰۰ سال پیش پرواز کرد

محمدحسین نیکبخت

هرچند غربی‌ها عادت دارند سرنخ هر کشف و تحول بشری را به خودشان برسانند و برخی هم در این سوی دنیا، در کشور خودمان ترجیح می‌دهند هر آنچه حاصل قرن‌ها تکاپوی بشریت است، یکسره متعلق به باختر بدانند اما واقعیت چیز دیگری است و آن که تاریخ می‌داند، آگاه است علم و دانش بشری، نه محصور در بند زمان می‌شود و نه گرفتار یک موقعیت جغرافیایی محدود. این وسط تنها سهم و اندازه دخالت تمدن‌های گوناگون است که موجب تفاوت نقش اقوام مختلف در پیشرفت علوم و توانایی‌های بشری می‌شود. غربی‌ها معمولاً در این زمینه دست پیش را می‌گیرند که پس نیفتند! به‌خصوص در حوزه فعالیت‌هایی که عمدتاً بسیار جدید محسوب می‌شود؛ مانند پرواز.

■ **پسرِ فرناس یا برادران رایت؟!**

قدیم‌ها در یکی از کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی، درسی داشتیم به نام «داستان پرواز»؛ آنجا قصه ساخت و به پرواز درآوردن هواپیما توسط برادران رایت نقل شده‌بود؛ دو برادر دوچرخه‌ساز آمریکایی که نخستین مدل هواپیما را اوایل قرن بیستم، یعنی حدود ۱۰۰ سال پیش، به پرواز درآورده بودند. البته در این دو درس، درباره پرواز بالون توسط برادران مونگلوفیه و پرواز با کایت توسط یک مهندس آلمانی هم صحبت‌هایی وجود داشت و ما به عنوان دانش‌آموز، مات و متحیر می‌ماندیم از این همه تلاش و کوشش برای پیشبرد دانش بشری و ناخودآگاه به مغزمان فرو می‌رفت که بله؛ همه راه‌ها به غرب ختم می‌شود! در حالی که خبر نداشتیم آنچه غرب امروز بدان می‌بالد، روی میراثی ایجاد شده که مسلمانان در پرتو دین انسان‌ساز و فرهنگِ دانشمندپرور خود، از ملل دیگر گرفته و آن را با دانش و کوشش خود پرورده و در قالب دستاوردهای جدید به بشریت عرضه کرده‌اند و در همان حال، هرگز دربرابر دانشمندان دیگر ملل، کم‌لطف و بی‌انصاف نبوده‌اند. نمونه عالی چنین اقدامی را می‌توان در داستان پرواز عباس بن فرناس دید؛ مسلمانی که پرده پندار را درید و آرزوی بشریت را جامه عمل پوشانید؛ آن هم زمانی که غرب، آرزوی پرواز را در افسانه‌های یونانی جست‌وجو می‌کرد و دلش به داستان «ایکاروس» خوش بود.

■ **تلاش ۲۰ ساله برای پرواز**

عباس بن فرناس با نام کامل ابوالقاسم عباس بن فِرناس بن وِرداس، فیزیکدان، مهندس، شاعر و شیمیدان برجسته مسلمان، در سال ۱۹۴قمری در اندلس به دنیا آمد؛ آن هم در دوره‌ای که این منطقه از سرزمین‌های اسلامی، خیز بلندی برای گسترش دانش برداشته‌بود؛ ثروتمندان مسلمان اندلس در حمایت از دانشمندان با یکدیگر رقابت می‌کردند و بازار تولیدات دانش‌پایه در این منطقه رونق بسیار داشت. عباس بن فرناس با دانش فراوان خود یک مخترع بالفطره بود. او نخستین کسی است که در تاریخ اندلس، موفق به ساخت شیشه با استفاده از سنگ‌های معدنی شد. عباس به دلیل علاقه به ستاره‌شناسی، «قُبّه آسمانی» را ساخت؛ وسیله‌ای که می‌شد با آن، افزون بر آموزش نجوم و اقلیم‌شناسی، مطالعات دقیقی را درباره موقعیت و جایگاه ستارگان انجام داد. برخی از پژوهشگران تاریخ علم، عباس بن فرناس را مخترع نخستین خودنویس تاریخ می‌دانند؛ اما آنچه بیش از این‌ها در تاریخ زندگی علمی او اهمیت دارد، تلاش بی‌وقفه و ۲۰ ساله پسر فرناس برای پرواز است. او در سال ۲۳۱ خورشیدی، یعنی حدود هزار و ۱۷۰ سال پیش توانست با ساخت بال‌هایی شبیه به کایت‌های امروزی، برای نخستین‌بار در تاریخ بشر، پرواز کند. وی برای انجام آزمایش پرواز خود، مناره بسیار بلند مسجد قرطبه را برگزید.

هرچند مسافت طی شده توسط عباس در نخستین پرواز، طولانی نبود اما او توانست به آرامی و به سلامت، روی زمین فرود بیاید. وی پس از این پرواز، به فکر اصلاح ساختار وسیله خود افتاد؛ الگوی بال‌ها را تغییر داد و برای استحکام بیشتر، از نخ‌هایی با جنس ابریشم استفاده کرد. عباس بن فرناس پس از انجام این تغییرات، تصمیم گرفت این‌بار از ارتفاع بلندتری پرواز را تجربه کند. او بالای کوه «جبل العروس» در نزدیکی قرطبه رفت. این‌بار جمعیت انبوهی برای مشاهده پرواز عباس بن فرناس جمع شدند. او با بال‌هایش اوج گرفت و حدود ۱۰ دقیقه در آسمان ماند و بعد فرود آمد؛ اما هنگام فرود، یکی از استخوان‌هایش شکست؛ اتفاق ناگواری که عباس بن فرناس را با اهمیت وجود دُم در وسایل پروازی آشنا کرد.

هرچند اطلاعات تاریخی درباره تداوم آزمایش‌های پرواز عباس بن فرناس محدود است، اما ظاهراً او پس از بهبود آسیب‌های جسمانی، دوباره دست به پرواز زد و این‌بار با استفاده از دُم، توانست پروازی ایمن را تجربه کند. نکته بسیار مهم در آزمایش پرواز او، شجاعتی است که در این مسیر به خرج داد. عباس بن فرناس در سال ۲۷۴قمری، حدود ۸۰ سالگی درگذشت؛ اما اقدامات افتخارآمیز او به عنوان یک مسلمان، در تاریخ باقی ماند؛ حتی اگر برخی به دنبال انکار آن‌ها باشند.

تاریخ معاصر

چرا شهید مدرس تبعید شد؟

یکی از جنایات نابخشودنی رضاخان، رفتار خصمانه وی با شهید مدرس است. ۱۶ مهرماه سال ۱۳۰۷، یعنی ۹۴ سال پیش، مأموران رژیم پهلوی به خانه آن مجتهد پرهیزگار ریختند و او را بازداشت کرده، به صورت تبعید به خواف فرستادند. بهانه بازداشت شهید مدرس ارتباط او با ایلات و عشایر و زمینه‌سازی برای قیام بود؛ اما واقعیت آن بود که پس از دخالت و تقلب گسترده عمال رضاخان در انتخابات دوره هفتم مجلس شورای ملی و در پی آن، رأی نیاوردن ظاهری افرادی مانند شهید مدرس، پهلوی اول کوشید مخالفانی مانند او را با وعده و وعید مطیع کند تا راه برای اقدامات بعدی‌اش باز شود. برخی از این افراد، البته به اجبار سکوت اختیار کردند اما مدرس کسی نبود که در برابر این رفتار، ساکت بنشیند و اعتراض نکند. رضاخان که از اقدامات مجتهد شجاع نگران بود، در اقدامی منفعلانه سعی کرد او را به سکوت و خروج از فعالیت‌های سیاسی وادارد؛ اما پاسخ دندان‌شکن مدرس نشان داد وی به هیچ وجه اهل سازش با ستمگر نیست. او در پاسخ به پیشنهاد بی‌شرمانه دشمن، گفته‌بود: «من وظیفه انسانی و شرعی خویش را دخالت در سیاست و مبارزه در راه آزادی می‌دانم و به هیچ عنوان دست از سیاست برنمی‌دارم و هر کجا هم باشم، همین است و بس». به همین دلیل، شب دوشنبه ۱۶ مهرماه ۱۳۰۷، تعداد زیادی از پاسبان‌های شهربانی با فرماندهی سرتیپ «درگاهی»، رئیس وقت شهربانی تهران و مشهور به «چاقوکش» به خانه شهید مدرس ریختند. آن‌ها پس از شکستن حریم یکی از علمای تهران و اساعه ادب به خانواده او، بدون آنکه اجازه دهند شهید مدرس لباس خود را عوض کند، او را از منزل بیرون کشیدند و سوار کامیون کردند و به خواف فرستادند.

آگهی مزایده عمومی نوبت اول
آگهی مزایده اموال غیرمنقول
آگهی مزایده اموال غیرمنقول نوبت دوم
آگهی موضوع ماده ۳ آیین‌نامه قانون تأمین اشتغال و حمایت از آزادی و سلامتی فعالیت در بستر
آگهی موضوع ماده ۲ آیین‌نامه قانون تأمین اشتغال و حمایت از آزادی و سلامتی فعالیت در بستر
آگهی موضوع ماده ۳ آیین‌نامه قانون تأمین اشتغال و حمایت از آزادی و سلامتی فعالیت در بستر
آگهی موضوع ماده ۲ آیین‌نامه قانون تأمین اشتغال و حمایت از آزادی و سلامتی فعالیت در بستر
آگهی موضوع ماده ۳ آیین‌نامه قانون تأمین اشتغال و حمایت از آزادی و سلامتی فعالیت در بستر
آگهی موضوع ماده ۲ آیین‌نامه قانون تأمین اشتغال و حمایت از آزادی و سلامتی فعالیت در بستر